

به نام خدا

تحلیل تطبیقی ادغام فرامرزی شرکت های تجاری

نگارنده :

شیرزاد عبدالملکی

بهار 96

چکیده :

امروزه جوامع ، سازمانها و بنگاه های تجارتي برای کاستن از زیان های ناشی از جریان جهانی شدن بازار های تجاری و به تبع آن برقراری اصول نظام اقتصاد رقابتي و ادامه حیات خویش در شرایط جدید و محیط رقابتي ، از ابزار ها و ساز و کار های متفاوتی استفاده می کنند . یکی از نهادهای حقوقی مؤثر برای هماهنگ شدن شرکت ها با محیط رقابتي فعالیت اقتصادی و تجارتي، ادغام شرکت های تجارتي برای افزایش توان اقتصادی و قدرت رقابتي آنها است.

ادغام عبارت است از ترکیب دو یا چند شرکت تجاری که در آن غالبا واحد تجاری برتر ، واحد تجاری کوچک تر و انفعالی تر را جذب می کند و یا منجر به تشکیل شرکت مستقل و تازه ای می شود. در حقوق ایران و انگلیس تعریف ادغام به نحوی یکسان است . در حقوق انگلیس انواع ادغام عبارت است از ادغام ساده و ترکیبی. در حقوق ایران انواع ادغام ، ادغام یکجانبه و دو یا چند جانبه نام دارند که این تقسیم بندی به ترتیب با ادغام ساده و ترکیبی سازگار است.

به تعبیر دکتر علی جهانخانی در مقاله زیر عنوان مبانی تئوریک و کاربردی تصاحب و ادغام شرکت ها ، در ادغام (merger) شرکت خریدار و شرکت هدف هر دو به عنوان یک واحد کسب و کار ادامه فعالیت داده و شخصیت حقوقیشان حفظ می شود . لکن در ترکیب (acquisition) شخصیت حقوقی خریدار و هدف حذف شده و یک شرکت جدید راه اندازی می گردد .

در این نوشتار سعی ما بر آن است تا ثغرا مکان مفاهیم ادغام و ترکیب شرکت های تجاری فرای مرز و آثار مترتب بر آن ، در حقوق انگلیس فرانسه و ایالات متحده آمریکا تبیین گردد ، نیز اگر سخن به اطناب نرفت ، مقایسه ای اجمالی میان این نظام های حقوقی به عمل آید.

واژگان کلیدی : ادغام، انواع ادغام ، مفهوم ادغام ، انعقاد قرارداد ادغام ، حقوق فرانسه ، حقوق انگلیس حقوق آمریکا ، حقوق ایران

مقدمه :

شرکت‌های تجاری گاهی به دلایل مختلف در صدد ادغام با یکدیگر و ایجاد تشکیلات جدید، فارغ از استقلال حقوقی بر می‌آیند. این فرایند که دیر سالی است در رویه شرکت‌های تجاری در سطوح ملی و بین‌المللی رواج یافته است و آثار حقوقی قابل بحث و مهمی بر آن مترتب است، به تفصیل مورد توجه حقوق‌کشورهای فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. چنانکه در ادامه به منابع این پرداخت مفصل اشاره خواهیم نمود. لکن در کشورمان ایران موضوع ما همچنان نحیف و ناملاحظه باقی مانده است.

بحث مربوط به ادغام، نخستین بار در قانون شرکت‌های تعاونی مصوب 1350 به صورت اجمالی مشار قرار گرفت. دولت در برنامه‌های دوم، سوم (ماده 4) و خصوصاً چهارم (ماده 40) و پنجم (ماده 105) توسعه به شرح کامل‌تری مطلب را مورد اشاره نموده است. اما همه این‌ها به صورت کلی به ادغام شرکت‌ها پرداخته‌اند و این، زمینه و بستر رویه‌های ناصحیح و ایجاد ابهام در خصوص ادغام شرکت‌های تجاری را فراهم آورده است.

بنابر این حقیقت، وظیفه شناساندن و تبیین حقوق و تکالیف اشخاص مرتبط با موضوع (شرکاء، سهامداران، طلبکاران، کارکنان و کارمندان و اشخاص ثالث) به گردن حقوق‌دادان و دکتترین محترم می‌ماند. از دیگر سو منابع موجود در کشور (اعم از همه نوع تحقیقاتی که تا کنون در این زمینه صورت پذیرفته است) کمتر به مطالعه تطبیقی مفهوم ادغام و تجزیه شرکت‌ها از منظر حقوق‌کشورهای بزرگ و مؤلف دست زده‌اند. به این دلیل، ما در تحقیق پیش‌رو بر گفتارها و نوشتارهای به عمل آمده در کشورهای انگلیس، ایالات متحده و علی‌الخصوص فرانسه، بیشتر متمرکز شده‌ایم.

تعاریف و مفاهیم :

در لغت ، وقتی می‌گوییم ادغام ، منظورمان یکپارچگی ، یکی شدن و به هم پیوستن دو یا چند چیز است. دکتر اسکینی برای تعریف این مفهوم بیان می‌دارد : ادغام دو یا چند شرکت ، وقتی حاصل می‌شود که یا شرکتی ، شرکت دیگر را امحاء و در خود حل کند یا دو یا چند شرکت در هم حل شده و شرکت دیگری از آن‌ها به وجود آید. ادغام موجب انحلال شرکت‌هایی می‌شود که از بین می‌روند بدون آن‌که اموال آنها تصفیه شود. در واقع ، دارایی شرکت‌هایی که در نتیجه ادغام از بین می‌روند ، به شرکت جدید انتقال می‌یابد.

در قوانین ایران ، تعریفی از ادغام ارائه نشده و در لایحه قانون تجارت 1391 نیز این نقص همچنان لاینحل باقی مانده است.

در زبان و ادبیات حقوقی انگلیس برای لغت ادغام به طور خاص ، واژه **Merger** کاربرد دارد ، چرا که وقتی بحث ادغام پیش می‌آید ، دیدگاه حقوق تجارت ، مخصوصاً شرکت‌ها در خصوص مفاهیم مرتبط با این واژه ، همسان و مشابه است. لغت نامه حقوقی آکسفورد می‌گوید : این که دو شرکت با اندازه مشابه با یکدیگر ترکیب شوند و در نهایت یک شرکت باقی بماند ، ادغام صورت گرفته است.

Take Over به معنای تملک و به ادغام درآوردن یک شرکت تجاری از طریق تحصیل و خرید سهام آن است. وجه تمییز **Take Over** با **Merger** ، این است که در اولی ، ادغام دو شرکت بر خلاف دیگری ، مستلزم انحلال شرکت ادغام‌شونده نیست . مقررات مربوط به **Take Over** در بخش بیست و هشتم از قانون شرکت‌های تجاری انگلستان مصوب 2006 پیش‌بینی شده است. **Acquisition** در لغت به معنای اکتساب ، تحصیل و به دست آوردن چیزی است . در معنای اصطلاحی ، این واژه به معنای تملک شرکت به صورت عام است و تفاوت آن با **Take Over** در این است که در دومی ممکن است کنترل کنترل‌یه شرکت توسط سهامداران خود شرکت انجام گیرد . در حالی که در **Acquisition** امکان تصاحب به دو صورت تحصیل سهام و تحصیل دارایی صورت پذیر است.

در تحصیل دارایی، شرکتی در نتیجه خرید دارایی شرکت دیگر، شرکت مزبور را عملاً در خود ادغام می کند. تفاوت **Merger** با **Acquisition of Stock** (تحصیل دارایی) در این است که بر خلاف **Merger** در تحصیل دارایی، بعد از انعقاد قرارداد، شخصیت حقوقی شرکتی که دارایی خود را فروخته است، باقی می ماند. همچنین شرکت تحصیل کننده دارایی، در قبال تعهدات شرکت فروشنده، مسئولیتی ندارد.

در نوع دیگر (**Acquisition of Asset**) یعنی تحصیل سهام، شرکتی با انعقاد قرارداد با سهامداران شرکت دیگر و خرید سهام آن ها کنترل شرکت را در دست گرفته و موجبات انحلال آن شرکت را فراهم می آورد. معمولاً شرکتی که سهامی از دارایی آن خریداری می گردد، یکی ک شرکت کوچک است که با فروش دارایی یا سهام خود در واقع، «شرکت تابع» شرکت تصاحب کننده می شود.

در حقوق شرکت های فرانسه، در ادغام که **Fusion** خوانده می شود، دو یا چند شرکت تبدیل به یک شرکت می گردند. این امر به دو صورت انجام می شود؛ درحالت اول دو یا چند شرکت منحل می شوند و دارائی هر کدام آورده شرکت جدید التاسیس را تشکیل می دهد که اصطلاحاً **Fusion** نامیده می شود. درحالت دوم یکی از چند شرکت باقی می ماند و شرکت های دیگر را در خود جذب می نماید که اصطلاحاً **Fusion Absorption** گفته می شود. در هر دو حالت شرط اساسی این است که تمام شرکتهای منحل شده شرکای شرکت جدید را تشکیل دهند. در این حالت انحلال بدون تصفیه شرکت ها صورت می گیرد. بنابراین شخصیت حقوقی شرکت ادامه دارد.

همچنین اصطلاح **scission** در متن قانون تجارت به چشم می خورد که ظاهراً به معنای تجزیه شرکت های ادغام شده می باشد که در ادامه به تبیین مفهوم آن خواهیم پرداخت.

اصطلاح **Transformation** در مورد تبدیل به کار می رود، در این صورت همه شرکتهای منحل و شرکت جدیدی تاسیس می شود بنابراین شخصیت حقوقی تداوم ندارد.

به تعبیر آقای محمد عیسائی تفرشی، به اعتبار محو یا عدم محو شخصیت حقوقی شرکت، ادغام به دو نوع واقعی و عملی تقسیم میشود. در ادغام قانونی (شخصیت حقوقی شرکت یا شرکت های سهامی ادغام شونده محو می شود، اما در ادغام عملی شخصیت حقوقی آنان پس از ادغام پابرجا می ماند.

تمییز مفهوم تجزیه از ادغام

ادغام، اقدامی است که بر اساس آن چند شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت واحد و جدیدی تشکیل می دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب می شوند. تجزیه، فرآیند معکوس ادغام است. از این رو در برخی قوانین خارجی از آن به ادغام معکوس نیز تعبیر می گردد. در تجزیه، یک شرکت تجارتي، به چند شرکت تجارتي بدل می شود، به عبارت دیگر تجزیه، حاصل انفکاک و تقسیم دارایی یک شرکت میان دو یا چند شرکت قبلاً موجود، یا جدید التاسیس می باشد. در هر حال، تجزیه نیز موجب انحلال بدون تصفیه شرکت تجزیه شونده می شود.

تجزیه، حاصل انفکاک و تقسیم دارایی یک شرکت میان دو یا چند شرکت قبلاً موجود، یا جدید التاسیس است که در فرض اخیر، گفته می شود، شرکتی از شرکت قدیم جدا شده است. برای مثال اگر سرمایه شرکت (الف) بین دو شرکت (ب) و (ج) تقسیم شود، با ایجاد شرکت های (ب) و (ج)، شرکت (الف) از بین می رود. تجزیه در مواردی کاربرد پیدا می کند که بین سهامداران اختلاف وجود دارد و دو دستگی از عوامل عمده آن است. به ندرت اتفاق می افتد که تجزیه شرکت، به گستردگی فعالیت شرکت در شاخه های مختلف داخلی در موضوع آن، صورت پذیرد. نقطه اشتراک تجزیه شرکت ها با ادغام شرکت ها این است که معمولاً شخصیت حقوقی شرکت مورد تجزیه با شرکت های تجاری ادغام شونده، محو می شود. البته این امر همیشه در مورد تجزیه شرکت ها صادق نیست و ممکن است با امر تجزیه، شرکت اصلی باقی مانده و یک یا چند شرکت از دل آن بیرون آید. اما نقطه افتراق تجزیه شرکت با ادغام شرکت، این است که در تجزیه، دارایی ها و تعهدات یک شرکت تجاری به چند شرکت تجاری منتقل می شود در حالی که در ادغام شرکت ها، کلیه دارایی ها و تعهدات شرکت یا شرکت های تجاری ادغام شده، به شرکت تجاری بازمانده یا جدیدالتاسیس منتقل می شود. در لایحه قانون تجارت سال 1384 و در فصل سوم آن مقرراتی راجع به تجزیه شرکت آمده است.

ادغام فرامرزی شرکت های تجاری در منطقه اقتصادی اروپا

زمانی که چند شرکت تجاری می خواهند دوباره شرکتشان را سازمان دهی نمایند ، یک گزینه برای اینکار انجام فرآیند ترکیب گروهی از شرکت ها در یک شرکت تجاری می باشد. اگر آن شرکت ها در منطقه اقتصادی اروپا (EEA) باشند ، قادر خواهند بود تا از مقررات ادغام فرامرزی شرکت های تجاری استفاده نمایند. در مفهوم سازماندهی مجدد گروه (group reorganisation) ، واژه "ادغام" می تواند دایره گسترده ای وضعیت های مختلف را پوشش دهد. از دیدگاه قانونی و حقوقی تمیز این مفاهیم مفید فایده می باشد :

- ادغام واقعی یا قانونی ('true' legal) که در آن دو یا چند شخصیت حقوقی متمایز و دارایی ها و مسئولیت ها و تعهداتشان را به یک شخصیت حقوقی موجود منتقل می نمایند و شخصیت حقوقی پیشینشان منحل می گردد و شرکت یا شرکت های ادغام کننده ، بدون تسویه و انحلال ، به حیات خود ادامه می دهند. در بسیاری کشور های اروپایی ، سالهاست که ادغام واقعی ، تحت نظام حقوق شرکت های داخلی (داخل اتحادیه اروپا) امکان پذیر است.
- ادغام عملی (*de facto*) ، که عبارت است از خرید با تحصیل سهام ، و یا خرید یا تحصیل دارایی یک، دو یا چند شرکت تجاری توسط یک شرکت تجاری دیگر ، بدون اینکه شخصیت حقوقی هیچ یک از شرکت های تجاری طرف قرارداد محو شود.

زمان قابل انجام شدن ادغام فرامرزی

این سازوکار برای شرکت هایی که مدیریت مرکزی (محل اداره مرکزی) یا محل اصلی کسب و کارشان در منطقه اقتصادی اروپا و یا جایی که حداقل دو شرکت تجاری تحت نظام های حقوقی (حقوق دو کشور) متفاوت اداره شوند. مقررات راجع به ادغام می تواند در موارد زیر استفاده شود:

- ادغام رو به بالا (*upwards mergers*) یا (*fusions vers le haut*) و آن در جایی است که شخصیت حقوقی شرکت یا شرکت های ادغام شونده باقی مانده و شرکت ادغام کننده (*société de portefeuille*) جذب می شوند .

- ادغام رو به پایین (downwards mergers) یا (*Fusions à la baisse*) و آن زمانی است که شخصیت حقوقی شرکت ادغام کننده به حیات خود ادامه می دهد و شرکت های تابعه (ادغام شونده) در آن جذب می شوند.
- ادغام یک طرفه (*sideways mergers*) یا (*Fusions latéraux*) آن است که یک یا چند شرکت در یک شرکت دیگر، ادغام می شوند بدون محو هیچ یک از شخصیت های حقوقی.
- ادغام با ایجاد یک شرکت مادر جدید (*merger by creation of a new holding company*) یا (*Fusion par création d'une nouvelle holding*) که یک یا چند شرکت ضمن حفظ شخصیت حقوقی خود، سایر شرکت ها را در خود جذب می کند.

ماهیت ادغام

ماهیت ادغام شرکت های تجاری که بین دو یا چند شرکت واقع می گردد، مستلزم انحلال بدون تصفیه شرکت یا شرکت های ادغام شده و انتقال حقوق و تعهدات آن ها به شرکت ادغام کننده می باشد که پدیده ای نو در روابط قراردادی در حقوق ایران تلقی می گردد.

در حقوق آمریکا بعضی از دادگاه ها ضمن تفسیر ماهیت حقوقی ادغام واقعی، آن را نوعی بیع دارایی های شرکت ادغام شده دانسته اند، بعضی برعکس معتقدند انتقال دارایی انتقال دارایی و تعهدات شرکت ادغام شده، بیع نیست و طرفین قرارداد نقشی در این انتقال ندارند، بلکه این انتقال به حکم قانون و قهری است.

در حقوق انگلیس از مجموعه تفاسیری که دادگاه ها ارائه کرده اند چنین بر می آید که این دادگاه ها همانند برخی محاکم آمریکا، ادغام را بیع تلقی نکرده اند.

در حقوق ایران، قانون تجارت فعلی در خصوص ادغام شرکت ها و اهداف آن ها، ساکت است ولی درباره ادغام بعضی شرکت های دولتی مانند بانک ها، شرکت های بیمه و شرکت های تعاونی، مقرراتی در قوانین خاص مشاهده می شود که مشابه مقررات حقوق آمریکا است.

بیع یا معاوضه : برخی از حقوقدانان قرارداد ادغام را به خرید اموال تشبیه می کنند و معتقدند که قرارداد ادغام نوعی از قرارداد خرید اموال است که به موجب آن شرکت ادغام کننده یا شرکت تملک کننده ، کل دارایی شرکت ادغام شده یا تملک شونده را می خرد و به موجب قرارداد مزبور ، تمامی حقوق و تعهدات شرکت تجاری ادغام شده به شرکت ادغام کننده ، انتقال می یابد و تنها تفاوتی که قرارداد ادغام با قرارداد خرید اموال دارد این است که در قرارداد ادغام ، شرکت تجاری ادغام شده ، منحل می شود و شخصیت حقوقی خود را از دست می دهد ، در حالی که در قرارداد خرید اموال ، شرکت ادغام شده همچنان شخصیت حقوقی خود را حفظ کرده و مالکیت اعضای شرکت مزبور بر سهام آن باقی است.

مورد بعد این است که در مورد مبادله سهام ، سهامداران شرکت تجاری ادغام شده می دانند که در قرارداد ادغام ، شرکت تجاری ادغام کننده ، سهام خود را به عنوان عوض معامله به شرکت تجاری ادغام شده می دهد . در واقع مطابق نظریه مزبور ، قرارداد ادغام ، ترکیبی از دو قرارداد خرید است .یکی قرارداد خرید اموال و دیگری قرارداد خرید سهام .

با نگرشی دقیق تر به ماهیت ادغام ، در می یابیم که نمیتوان ادغام را صرفاً بیع یا معاوضه دارایی شرکت های سهامی ادغام شده و ادغام کننده دانست. زیرا اگرچه انتقال دارایی های شرکت ادغام شده را می توان تحت عنوان قرارداد بیع یا معاوضه تحلیل نمود ، ولی باید به این نکته توجه داشت که در ادغام ، علاوه بر دارایی ها ، تعهدات شرکت ادغام شده به شرکت ادغام کننده ، منتقل می گردد. و سهامداران شرکت ادغام شده نیز با سهام یا عوض دیگری که شرکت ادغام کننده می پردازد ، معاوضه می شود. بنابراین ادغام واقعی که مستلزم انتقال دارایی ، دیون و تعهدات و معاوضه سهام سهامداران است ، با بیع و معاوضه تطبیق کامل ندارد.

عقد مرکب : ممکن است چنین تحلیل شود که ادغام عقدی است مرکب از عقد بیع و تبدیل اعهد به این معنا که انتقال دارایی های شرکت و تبادل سهام سهامداران شرکت ادغام شده با عقد بیع یا معاوضه واقع می شود و انتقال تعهدات ، از طریق تبدیل تعهد انجام می گیرد . آنگز این تحلیل را مبنا قرار دهیم ، با مشکلات زیادی مواجه می شویم. به طوری که در عمل ، راه برای ادغام شرکت ها مسدود می شود. زیرا:

1- هرچند شرکت ادغام شده می تواند با تصمیم مجمع عمومی فوق العاده منحل شود و دارایی های خود را به شرکت دیگر واگذار نماید ، لیکن انحلال ، شرکت را با پرداخت مالیات سنگین مواجه می کند که هیچ شرکتی حاضر به پرداخت آن نخواهد بود . از طرف دیگر ، ادغام مستلزم انحلال بدون تصفیه است و در حقوق ایران مقررات مربوط به تصفیه از مقررات آمره و لازم الاجرا است و انحلال بدون تصفیه ، پیش بینی نشده است.

2- در ارتباط با تعهدات ، انتقال تعهد مستلزم تبدیل تعهد است که در حقوق ایران ، این ماهیت حقوقی بدون رضایت متعهد له نمی شود و هیئت مدیره مجبور است با کلیه طلبکاران شرکت وارد مذاکره شده و موافقت آنان را جلب نماید و یا دیون آن ها را پرداخت کند.

3- در ارتباط با سهام سهامداران شرکت های منحل شده ، سهام در مالکیت سهامداران است و شرکتی نمی تواند بدون موافقت کلیه سهامداران ، سهام آنان را مورد معامله قرار داده و در ازای آن سهام دیگری را به آنان بدهد. نظر استاد اسکینی نیز منطبق با مطالب مذکور است. لازمه این امر آن است که یا شرکت وکیل در فروش سهام سهامداران باشد و یا در اساسنامه ، این امر مقرر گردیده باشد.

قرار داد خصوصی (عقد نامعین) : شمول قرارداد ادغام به قرارداد های موضوع ماده 10 قانون مدنی نیز با همان اشکالی مواجه می گردد که در بند دوم و در ارتباط با تطبیق ادغام با عقد مرکب ذکر شد.

به این معنا که انتقال تعهدات شرکت ، بدون رضایت متعهد له و همچنین معاوضه سهام سهامداران شرکت سهامی ادغام شده با سهام یا عوض دیگر که شرکت ادغام کننده می پردازد بدون موافقت کلیه سهامداران ، مخالف نص قانون است . زیرا مطابق اصل دکلی و حاکم حقوقی ، قرارداد های خصوصی ، تاثیری در حقوق اشخاص ثالث ندارد. همانطور که در عمل مشاهده می شود ، ادغام شرکت ها با استفاده از مواد قانون تجارت و قانون مدنی با چنان مشکلاتی روبرو است که در عمل ، هرگونه اقدامی در این ارتباط را با شکست مواجه می سازد.

از این رو ، پیشنهاد می شود قانونگذار همانطور که در بعضی موارد ادغام شرکت های دولتی ، بانک ها ، شرکت های بیمه و شرکت های تعاونی ، گام هایی به سوی ادوین مقررات ادغام واقعی برداشته است، با

تدوین مقررات جامع در زمینه ادغام واقعی شرکت های تجاری ، راه را برای ادغام شرکت های سهامی هموار کند.

انواع ادغام

برای توصیف شیوه های ادغام ، اصطلاحات مختلفی در میان نوشته های حقوقدانان و مقررات قوانین گوناگون به چشم میخورد . تا پیش از نگارش مقررات لایحه قانون تجارت 1384 ، در نوشته های حقوقی در بیان شیوه های ادغام ، از ترجمه اصطلاحات به کار رفته در نظام های حقوقی کشور های غربی استفاده شده است . در این میان ، بیشترین اصلاحات اقتباس شده از منابع حقوقی خارجی عبارت بود از ، ادغام ساده ، ادغام ترکیبی ، ادغام افقی و ادغام عمودی بودند. با تنظیم لایحه قانون تجارت و تقدیم آن به مجلس ، اصطلاحات نوین در نظام حقوق شرکت های ایران و مقررات ناظر به ادغام وارد گردید. این اصطلاحات نوین که عبارت اند از ادغام یک جانبه و ادغام دوجانبه ، در بقیه قوانین نیز مورد پذیرش قرار گرفتند.

ادغام ساده و مرکب : این نوع ادغام در بیشتر کشور ها پذیرفته شده است . همانگونه که از ظاهر لفظ بر می آید در ادغام ساده ، تشریفات مختصر و شیوه ادغام غیر مرکب می باشد. در این نوع ادغام ، یک یا چند شرکت ، شخصیت حقوقی خود را از دست داده و در شرکت موجود دیگری منحل می شوند. شرکت موجود نام و هویت خود را حفظ کرده و حقوق و تعهدات شرکت منحل را دارا می گردد.

ادغام مرکب نیز آن است که شرکت های ادغام شونده منحل شده و هویت و شخصیت حقوقی خود را از دست می دهند و در نهایت شرکت جدیدی با شخصیت حقوقی جدید پدید می آید.

ادغام یک جانبه و دو یا چند جانبه : در ادغام یک جانبه (ماده 806 لایحه قانون تجارت 1384) ، (ماده 1 آیین نامه اجرایی بند «ز» ماده 111 اصلاحی قانون مالیات های مستقیم) و (ماده 40 قانون برنامه چهارم توسعه) یک شرکت که معمولاً از وضعیت مالی یا شهرت تجاری بالاتری نسبت به دیگر شرکت های موضوع ادغام برخوردار است ، باقی مانده و شرکت موجود یا پذیرنده ادغام نام می گیرد. در حالی که دیگر شرکت

های موضوع ادغام که اصطلاحاً شرکت ادغام شونده خوانده می شوند ، در شرکت موجود (پذیرنده ادغام) منحل شده و شخصیت حقوقی خود را از دست می دهند.

در ادغام چند جانبه دیگر نمی توان از شرکت موجود سخن گفت . زیرا همه شرکت های موضوع ادغام در هم ترکیب شده و شرکت نوظهوری به عنوان شرکت موجود ایجاد می نمایند . در این وضعیت دو یا چند شرکت با یکی شدن در شکل شرکت جدید ، هویت و شخصیت حقوقی خود را از دست می دهند. (ماده 806 لایحه قانون تجارت 1384) . قانون برنامه چهارم تنها ادغام یک جانبه را مورد پذیرش قرار داده است . در حالی که بخش دوم ماده 105 قانون برنامه پنجم ، ادغام دو یا چند جانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت های ادغام شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید (شرکت جدید)) را در چهار چوب اساسنامه آن شرکت مجاز دانسته است.

در حقوق ایران

بر اساس ماده 105 قانون برنامه سوم توسعه ، ادغام شرکت های تجاری به دو صورت یک جانبه و دو جانبه صورت میگیرد. ادغام یک جانبه از طریق یک یا چند شرکت ، با محو شخصیت حقوقی به عنوان شرکت یا شرکت های ادغام شونده در شرکت موجود و با حفظ شخصیت حقوقی شرکت ادغام کننده به عنوان شرکت پذیرنده ادغام صورت می پذیرد که در نتیجه آن ، شخصیت حقوقی شرکت های ادغام شده امحاء گردیده و شخصیت حقوقی شرکت باقی مانده یا شرکت ادغام پذیر ، به حیات خود ادامه می دهد و کلیه حقوق و تعهدات شرکت های ادغام شده در نتیجه ادغام به شرکت موجود منتقل می گردد. در حقیقت در ادغام یک جانبه ، شرکت یا شرکت های تجاری ادغام شده ، با از دست دادن وجود جداگانه خود ، جزئی از شرکت تجاری بازمانده می شوند.

ادغام دو جانبه نیز ، مطابق ماده مزبور ، با با محو شخصیت حقوقی آن ها ایجاد شرکت جدید صورت می گیرد. این نوع ادغام که معادل آن ادغام از طریق تشکیل شرکت جدید در نظام حقوقی انگلستان می باشد ، بدین شکل صورت می پذیرد که دو یا چند شرکت تجاری با انعقاد قراردادی ، در یکدیگر ترکیب شده و شرکت

تجاری جدیدی با شخصیت حقوقی مستقل پدید آمده ، تمامی حقوق و تعهدات شرکت های مذکور به شرکت جدید التاسیس منتقل می گردد.

تنها تفاوت ادغام یک جانبه با دوجانبه آن است که در ادغام یک جانبه ، شرکت یا شرکت های طرف ادغام، در یکی از شرکت های طرف قرارداد ادغام میگردند و شخصیت حقوقی شرکت ادغام کننده باقی می ماند ، در حالی که در ادغام دو یا چند جانبه ، کلیه شرکت های طرف قرارداد ادغام با از دست دادن شخصیت خود، در یک شرکت جدید التاسیس ادغام میگردند.

در حقوق انگلیس

در نظام حقوقی این کشور ، به موجب بند الف -1 ماده 904 قانون شرکت ها 2006 ، در ادغام ساده ، « تعهدات ، اموال و مسئولیت های یک یا چند شرکت سهامی عام ، از جمله شرکتی که در رابطه با آن توافق یا ترتیبات ادغام پیشنهاد شده است ، به شرکت سهامی عام موجود دیگر انتقال می یابد. »

علاوه بر این ، حقوق انگلستان ، ادغام مرکب را نیز به رسمیت می شناسد. مطابق ماده-1 904 قانون شرکت ها 2006 : « تعهدات و اموال و مسئولیت های دو یا چند شرکت سهامی عام از جمله شرکتی که در خصوص آن توافق یا ترتیبات ادغام پیشنهاد شده ، به یک شرکت جدید منتقل می شود ، خواه این شرکت جدید سهامی عام باشد یا نباشد. » مقایسه ادغام ساده و مرکب در قانون شرکت های انگلستان نشانگر آن است که در ادغام ساده تنها شرکت های سهامی عام موضوع ادغام می باشند ، در حالی که در ادغام مرکب ، شرکت های ادغام شونده لزوماً سهامی عام نیستند و شرکت جدید که از تشکیل چند شرکت سهامی عام متولد می گردد ، ممکن است هر نوع شرکت تجاری دیگر باشد.

دو تقسیم بندی دیگر نیز وجود دارند که به نظر می رسد مورد پذیرش نظام های حقوقی انگلیس و آمریکا باشند. تقسیم بر اساس فعالیت شرکت های ادغام شونده و نیز بر اساس رفتار شرکت های تصاحب کننده.

الف : بر اساس عملیات شرکت های مورد ادغام

1- ادغام افقی : اگر شرکت هایی که کالا و خدمات آن ها مستقیماً در حال رقابت با یکدیگر باشند ، ادغام چنین شرکت هایی را ، ادغام افقی می نامند. در این روش از تملک و ادغام ، رقابتی که محصولی یکسان و مشابه را در یک منطقه جغرافیایی تولید و به فروش می رسانند ، خریداری و تصاحب می شوند.

این نوع روش تملک ، منجر به افزایش سهم بازار و افزایش قدرت بازار شرکت تملک کننده می شود . از نظر اقتصادی ، ادغام افقی شرکت ها به دو شاخه توسعه بازار و توسعه محصول تقسیم می شود. توسعه محصول به تصاحب و ادغام شرکت هایی با محصولات مشابه ولی متمایز اشاره دارد و در بر گیرنده شرکت هایی است که از نظر عملکرد شبکه توزیع ، مشابه هستند ولی محصولات آنها مستقیماً رقیب یکدیگر نیستند. توسعه بازار نیز به شرکت هایی که محصولات مشترک و مشابه ، در مناطق متفاوت جغرافیایی به فروش می رسانند اشاره دارد

2- ادغام عمودی ادغام شرکت هایی که در فرایند تولید محصولات مختلف یا در سلسله فعالیت های تجاری رابطه مصرف کننده و تولید کننده دارند ، یا به عبارتی ، شرکت هایی که در زنجیره تبادل محصولی ، به عنوان خریدار و فروشنده حضور دارند را ادغام عمودی می نامند (Vertical take over merger). در این نوع از ادغام یکی از دو شرکت ، در عمل یا به طور بالقوه ، عرضه کننده کالا یا خدمات برای شرکت دیگر است .

3- ادغام نامرتب : در این نوع از ادغام شرکت های مورد ادغام هر یک به انواع مختلفی از تجارت مشغول اند و در واقع این نوع از ادغام ، ادغام شرکت هایی است که در خط تولید غیر مرتبط و یا در مناطق جغرافیایی مختلف فعالیت می کنند به نحوی که نه رقیب یکدیگر بوده و نه ارتباط تولید کننده و مصرف کننده دارند. عمده ترین عامل این نوع ادغام ، تنوع بخشیدن به فعالیت ها در حوزه های تجاریا بهبود ثبات به دست آمده و یا مورد استفاده قرار دادن منابع اضافی است.

ب : بر اساس رفتار شرکت تصاحب کننده :

1- ادغام تهاجمی : هنگامی که مدیران شرکت تصاحب شونده در مقابل تصاحب مقاومت می کنند ، مدیران شرکت های تصاحب کننده مستقیماً با سهامداران شرکت مورد تصاحب وارد مذاکره می شده و شرکت

را تصاحب می کنند. به این نوع تصاحب ، تهاجمی میگویند (hostility merger). این روش عمدتاً با پول نقد تامین مالی می شود و نوع کسب و کار آنها با شرکت تصاحب کننده نا مرتبط است.

2- ادغام دوستانه : هنگامی که مدیران شرکت های ادغام شونده در امر تصاحب با مدیران شرکت های تصاحب کننده همکاری میکنند ، تصاحب ، دوستانه انجام میگردد . این ادغام عمدتاً با مبادله سهام ، تامین مالی میگردد و در شرکت هایی که از نظر کسب و کار هم پوشانی دارند ، رخ می دهد.

ادغام فرامرزی شرکت های تجاری در نظام حقوقی اروپا

در اتحادیه اروپا ، دستورالعملی تحت عنوان « دستورالعمل ادغام فرامرزی » به ادغام های میان شرکت های اعمال می شود که مطابق نظام حقوقی یک دولت عضو تشکیل شده و اقامتگاه (دفتر) ثبت شده اش ، اداره مرکزیش یا مرکز آموزش در حوزه جامعه اروپا قرار داشته باشد ، مشروط بر آنکه دست کم دوتا از این شرکت ها در حاکمیت قوانین دولت های مختلف قرار داشته باشند.

مقررات شرکت های سال 2007 انگلستان ، (که نوعی پیاده سازی دستورالعمل های اتحادیه اروپا در مورد ادغام شرکت های تجاری بود) برای شرکت های انگلیسی ، یک چهارچوب حقوقی مشخص ، در قانونگذاری ادغام ، فراهم می آورد. بر اساس این مقررات ، شرکت های انگلیسی می توانند (با موافقت دادگاه) با دارایی ها و مسئولیت های مربوطه شان ، با بهره گرفتن از قانون مربوط به انتقال ، جذب یک شرکت دیگر در منطقه اقتصادی اروپا (EEA) شوند ؛ و این بیانگر بنیان نهادن یک روند بالقوه ی ساده تر از شکل سنتی آن است.

کاربرد مقررات یاد شده در جایی است که یک شرکت انگلیسی ادغام کننده یا مورد ادغام ، یک یا چند شرکت منطقه اقتصادی اروپا قرار گرفته باشد. در حالی که این مقررات می تواند هر از گاهی در اجرای قرارداد های ادغام و ترکیب شرکت های مورد استفاده قرار گیرد.

انواع ادغام امکان پذیر در حقوق اروپا عبارتند از :

- به وسیله جذب (*Par absorption*) که در آن یک شرکت موجود، دیگر شرکت یا شرکت های تجاری را در خود جذب و ادغام می نماید (با حفظ شخصیت حقوقی شرکت ادغام کننده)
- به وسیله جذب کامل شرکت/شرکت های هدف (*Par absorption d'une filiale en propriété exclusive*) که در آن یک فرآیند ساده برای ارائه انتقال درون گروهی سهام، قابل دسترس می باشد.
- با تشکیل یک شرکت جدید (*Par formation d'une nouvelle société*) که در آن دو یا چند شرکت ضمن انحلال، شخصیت حقوقی جدیدی پدید می آورند.

این مقررات، برای فرآیند های مختلف ادغام تنظیم شده اند؛ خواه ادغام به درون (*inbound*) (یک شرکت غیر انگلیسی در یک شرکت انگلیسی ادغام می شود)، خواه ادغام به بیرون (*outbound*) (شرکت انگلیسی ادغام شونده است).

در حقوق آمریکا

ادغام در اکثر نظام های حقوقی در یک تقسیم بندی کلی، بر دو نوع است: ساده و ترکیبی. در برخی ایالت های آمریکا، نوع سومی از ادغام وجود دارد تحت عنوان ادغام ترکیبی چند قلو یا ادغام با چند شرکت بازمانده.

1- ادغام ساده: این نوع، از حیث ارتباطی که شرکت های تجاری ادغام کننده با شرکت نجاری ادغام

شونده دارد به دو دسته تقسیم می شود.

الف: ادغام با تشریفات طولانی: و آن به ادغامی گفته می شود که شرکت های تجاری طرف دوم قرارداد

تجاری ادغام با یکدیگر رابطه مادر-تابعه یا وابسته ندارند و از لحاظ حجم سرمایه و دارایی ها، نسبتاً متعادل هستند. برای انعقاد این نوع ادغام، تصویب هیئت مدیره و مجمع عمومی سهامداران یا دارندگان سهم شرکت هریک از شرکت های تجاری طرف قرارداد، لازم است.

ب: ادغام با تشریفات مختصر: اکثر ایالت های آمریکا با تبعیت از قانون اصلاحی نمونه شرکت های تجاری مصوب 1969 و اصلاحات بعدی آن، در قوانین خود، مقرراتی را تدوین نموده اند که ادغام

بدون رعایت تشریفات طولانی، عملی گردد. این نوع ادغام ساده که تحت عنوان ادغام با تشریفات مختصر (short form merger) و یا ادغام شرکت مادر-تابعه (parent subsidiary merger) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، زمانی تحقق می‌یابد که بین دو شرکت سهامی، رابطه مادر-تابع وجود داشته باشد و شرکت مادر حداقل مالک 90 درصد سهام هر دسته از سهامداران شرکت تابع باشد. در این ادغام، شرکت مادر تنها با تصویب هیئت مدیره خود می‌تواند ادغام را عملی سازد و لزومی به تصویب هیچ یک از سهامداران نیست.

2- ادغام ترکیبی: در ادغام ترکیبی، شرکت جدیدی در نتیجه قرارداد ادغام، تاسیس می‌گردد و کلیه شرکت‌های تجاری طرف ادغام را تصاحب می‌کند. برای مثال در ادغام ترکیبی شرکت سهامی الف و ب، شرکت سهامی ج را ادغام و در آن ادغام می‌شوند، در حالی که در ادغام ساده، شرکت سهامی ب در شرکت سهامی الف ادغام می‌شود. در برخی ایالات آمریکا مانند تگزاس با نوع سومی از ادغام مواجه می‌شویم که ترکیبی از ادغام و تجزیه است و می‌توان آن را ادغام با چند شرکت بازمانده نامید. این نوع از ادغام در قانون اصلاحی شرکت‌های تجاری تگزاس، مصوب 2003 مشاهده می‌گردد. به این ترتیب که مثلاً ده شرکت، دو یا سه شرکت جدید را ایجاد و در آن ادغام می‌شوند.

در حقوق فرانسه

به موجب ماده ل 1-231 قانون تجارت این کشور، هر دو نوع ادغام ساده و مرکب در یک جمله بیان شده است. مطابق این ماده: « دو، یک یا چند شرکت ممکن است از راه ادغام، اموال خود را به یک شرکت موجود یا شرکت جدیدی که آنها شکل می‌دهند، انتقال دهند. همچنین یک شرکت می‌تواند سهام خود را با تقسیم دارایی‌هایش به چند شرکت موجود یا شرکت جدیدی انتقال دهد.»، مشروط بر آنکه آغاز به این انتقال سهام از طرف اعضای شرکت‌ها صورت نگرفته باشد. همانگونه که مشاهده می‌شود آنچه که ادغام ساده نام گرفته از توصیف نسبتاً مشابهی در دو نظام حقوقی فرانسه و انگلیس برخوردار است.

حقوق فرانسه ضمن شناسایی ادغام مرکب به صراحت در بخش نخست ماده ل 2-236 پذیرفته که عملیات ادغام ممکن است میان شرکت‌های مختلف صورت گیرد.

در حقوق این کشور ، برای فرضی که شرکت مادری ، شرکت وابسته به خود را که صد درصد سرمایه آن به شرکت مادر تعلق دارد ، در خود ادغام می کند ، شرایط سهل تری اعمال می شود. این مقررات آسان تر در بند یک ماده 378 و مواد 388 و 389 قانون شرکت های تجاری پیش بینی شده و از آن جمله اند : عدم لزوم تشکیل مجمع عمومی شرکت وابسته ، عدم لزوم دخالت بازرسی ادغام و عدم لزوم گزارش هیئت مدیره در خصوص ادغام.

در فرانسه اشکال مختلفی از شرکت وجود دارد (اعم از مدنی یا تجاری) و به این ترتیب ، قالب شرکت در نحوه ، ساختار و شرایط ادغام آنها تأثیر گذار است. در سالهای اخیر ، تغییراتی چند در قانون متناسب با این شرکت ها صورت گرفته است ، به ویژه در مورد حد اقل سرمایه و شرایط لازم برای تعیین حسابرسان. متداول ترین قالب های شرکت های تجاری در حقوق این کشور عبارتند از :

1. شرکت سهامی ساده (*société par actions simplifiée*) ، (SAS) یا (*simplified joint stock company*) که استاندارد ترین شکل موجود از میان شرکت های تجاری خصوصی می باشد که در عمل بسیار انعطاف پذیر می باشد و علاوه بر اینکه می تواند تنها یک سهامدار داشته باشد حداقل سرمایه ای برای تشکیل آن تعریف نشده است.
2. شرکت سهامی (*société anonyme*) (SA) یا (*joint stock company*) ، که حداقل هفت شریک برای تشکیل نیاز دارد و شکل مدیریت آن ، محدود می باشد .
3. شرکت با مسئولیت محدود (*société à responsabilité limitée*) (SARL) یا (*private limited liability company*) ، در این طریق ، به طور مرسوم ، شرکتی کوچک توسط کارآفرینان تشکیل می شود و سهام آن به عنوان (*parts sociales*) یا (*interest shares*) شناخته می شود . بر اساس قانون ، نام و هویت شرکاء آن می بایست برای عموم مردم در اساسنامه ضبط شده و نیازمند ثبت در دفتر اسناد تجاری است. بنابراین تغییر در میزان سهم الشرکه شرکاء مستلزم تغییر اساسنامه می باشد. نیز ، انتقال سهم الشرکه به شخص ثالث مقید به کسب موافقت همه شرکاء است (*clause d'agrément*) .

در تمامی پرونده ها نخست می بایست اساسنامه این شرکت ها مطالعه شود . مهم ترین مقررات ، مربوط به ، انتقال سهام / سهم الشرکه ، مدیریت شرکت و محدودیت های تحمیل شده بر اختیارات و قدرت مدیران (بخش اجرایی) شرکت می باشد. در اساسنامه SAS یا SA ، در پاره ای موارد برای انتقال سهام یا سهم الشرکه ، الزام به کسب موافقت هیئت مدیره را درج می نمایند .

انعقاد قرارداد ادغام در حقوق فرانسه و انگلیس

در حقوق انگلیس و فرانسه ، پیش از انعقاد قرارداد ادغام فرایندی صورت میگیرد از جمله " اعتبار آزمایی ، آنتی تراست و ... " که در صورت شرح این مفاهیم سخن را به اطناب برده ایم. بنابر این در زیر لوازم انعقاد پیمان ادغام در حقوق فرانسه را بررسی می نمایم.

مهم ترین لوازم انعقاد قرارداد ادغام شرکت های تجاری در حقوق انگلیس و فرانسه عبارتند از :

1. اهلیت طرفین (Capacité des parties)

در مورد شرکت های فرانسوی ، بهتر است ، علاوه بر جزئیات طرفین توافق ، شماره ثبت شرکت که نمایانگر محل (اقامتگاه) ثبت شرکت تجاری ، میزان سهام سهامداران و نمایندگان قانونی آن می باشد ، درج شود .

همچنین توصیه می شود ، اهلیت خود شرکت و شرکای آن ، مورد بررسی قرار گیرد. عموماً توافق برای فروش سهام ، توسط رئیس (هیئت مدیره) (Président) ، مدیر عامل (directeur general) یا مدیر فروش شرکت ، که بر اساس اساسنامه مورد تأیید باشد ، امضاء شود. و نیز باید مراقب بود که امضاء کنندگان از لحاظ اهلیت ، محدودیتی ندارند ، چه بر اساس قانون و چه بر اساس توافق طرفین.

2. بند تعاریف (Définitions)

این مسلم است که هرآنقدر تعاریف صریح تر و روشن تری برای حقوق و تکالیف و اصطلاحات و شرایط ، در قرارداد وجود داشته باشد تفسیر آن آسان تر می شود. اگرچه وکلای فرانسوی ترجیح می دهند این مورد را حتی الامکان به توصیفات قانون ارجاع دهند ، در قرارداد های انگلیسی و آمریکایی ، رویه ی مرسوم آن است که تعاریف مبسوطی در قرارداد ادغام ارائه می شود.

به نظر ما علت این امر آن است که قانون تجارت کشور فرانسه مقررات بسیار روشن و کاملی در مبحث ادغام شرکت ها دارد.

3. هزینه و پرداخت آن (Prix et paiement)

ثمن معامله می تواند به صورت نقد ، اقساط ، صدور سهام و... پرداخت شود . بنابراین ، قرارداد می بایست در بر گیرنده جزئیات نحوه پرداخت ثمن باشد و مشخص شود که در صورت بروز اختلاف ، حقوق اشخاص ثالث به چه طریق احقاق خواهد شد.

بر اساس حقوق قرارداد ها در فرانسه ، کوتاهی در حتمی کردن ثمن و پرداخت آن ، به دلیل فقدان یکی از عناصر اساسی عقد (نامشخص بودن ثمن معامله) ، ممکن است موجب بطلان قرارداد شود.

4. امضاء و انعقاد قرارداد (Signature et fermeture)

در نقل و انتقالات ساده ترجیح بر آن است که حتی الامکان ارائه برای امضاء و انعقاد معامله ی ادغام ، همزمان صورت گیرد. چنانچه این کار به دلیل وجود شرط متقدم عملی نباشد و انعقاد قرارداد به زمانی دیرتر موکول شود ، معمول است که قرارداد هایی که برای اجرا نیازمند به سرانجام رسیدن کسب و کار شرکت هدف می باشند ، زمانی متعارف را میان امضاء و انعقاد قرارداد در نظر میگیرند.

مهلت برای تحقق شرایط معمولاً مشروط است و اگر طرفین از تاریخ مورد نظر پیروی نکرده باشند ، می توانند بدون هیچ مسئولیتی معامله را اقاله نمایند یا در شرایط خاص خسارت ناشی شده از عقد را بر ذمه ی طرف خاطی بنهند.

همچنین ، بهتر است که اظهارات و تعهدات طرفین مؤکدا در قرارداد ذکر شود. معاملات مربوط به ادغام شرکت ها ، در صورت وجود شرایط زیر قابل اجرا می باشند :

- انتقال سهام از شرکت های (SAS) یا (SA) و یا انتقال اسناد سهم شرکت در مورد شرکت با

مسئولیت محدود . (*ordre de mouvement*)

- فرم مورد نیاز برای ثبت اهداف تعهدات ("*formulaire "cerfa"*)

- هر نوع از مدرک مثبت قدرت و اختیار فروشنده ، خریدار یا شرکت هدف مورد نیاز باشد.

- مدارک مبنی بر کناره گیری و تفویض اختیارات نمایندگان شرکت هرف به نمایندگان شرکت خریدار

- صورت جلسه امضاء شده توسط هیئت مدیره شرکت هدف (به عنوان مثال تعیین نمایندگان شرکت خریدار به عنوان مدیران آن و ...)
 - مدرک مثبت (قبض بانک) پرداخت ثمن و سایر هزینه ها
 - اسناد قانونی شرکت هدف (مثل دفتر صورت جلسات ، ثبت حضور و غیاب ها و ...)
 - هر مدرک و یا قراردادی مرتبط با مسائل مالی مربوط به ادغام که لازم باشد
- در مورد شرکت های (SA) و (SAS) نقل و انتقال سهام در زمان انعقاد قرارداد در دفتر مربوطه ثبت می شود. اما در شرکت های (SARL) رویه پیچیده تر است و اعلام انتقال سهم شرکت را در جراید مربوط به تجارت می طلبد.

آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با شرکت های ادغام شونده و

پذیرنده ادغام

نخست : آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بستانکار

بزرگ ترین اشکال و مه مترین چالشی که در موضوع ادغام شرکت ها مطرح می شود تعارض ادغام با حقوق طلبکاران شرکت ها، به ویژه حقوق طلبکاران شرکت ادغام شونده است چرا که غالباً ادغام ها بدون رضایت طلبکاران صورت می گیرد هرچند این ایراد در تمام نظام های حقوقی مطرح است لکن در نظام حقوقی ایران، مشکل دوچندان است زیرا قانونگذار ایران، در کلیات حقوق مدنی، رضایت طلبکار را جهت انتقال دین ضروری می داند و از سوی دیگر، سالها پس از تصویب قانون مدنی، تأسیس حقوقی ادغام را پذیرفته است و مقنن در ماده 40 قانون برنامه چهارم مقرر داشته است : «کلیه حقوق و تعهدات، دارایی و دیون و مطالبات شرکت یا شرکت های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهد یافت.»

بند اول : آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بستانکار از شرکت های ادغام شونده :

در خصوص ماهیت انتقال دیون شرکت ادغام شونده به شرکت پذیرنده ادغام، چه در نوع ادغام ساده و چه در نوع ادغام ترکیبی به چند نظریه می توان اشاره کرد از جمله نظریه انتقال دین، تئوری تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون و نظریه قائم مقامی که هر یک در نوع خود، بسیار بحث برانگیز بوده و آثار حقوقی متفاوتی دارد. ذیلاً به هر یک از مباحث مذکور و ارتباط آن ها با ادغام شرکت ها پرداخته می شود .

1. نظریه انتقال دین :

مفهوم انتقال دین : انتقال دین چنانچه از نام آن برمی آید به جابه جایی دین از دارایی مدیون به دارایی دیگری گفته می شود. در انتقال دین آنچه مدیون در اختیار دارد با همه مزایا و محدودیت های آن به انتقال گیرنده منتقل می شود و نباید آن را با تبدیل تعهد اشتباه کرد. در مورد انتقال دین، تقسیم بندی های گوناگونی وجود دارد از جمله اینکه آن را به اعتبار سبب و چگونگی انتقال، به دو گروه قهری و قراردادی تقسیم می کنند. در انتقال قهری که در نتیجه مرگ مدیون رخ می دهد دیون متوفی همراه با سایر عناصر دارایی او به بازماندگانش می رسد. انتقال قراردادی و خاص دین، که در نتیجه تراضی مدیون با شخص ثالث واقع میشود و طلبکار در آن نقشی ندارد. در اثر این قرارداد، دین از ذمه مدیون به عهده شخص ثالثی (انتقال گیرنده) انتقال میابد؛ مدیون در برابر طلبکار بری میشود و جای خود را به ثالث (مدیون) میدهد.

انتقال قراردادی دیون در حقوق فرانسه : از دیرباز مسأله انتقال حقوق و تعهدات ناشی از

قرارداد مورد توجه نظامهای حقوقی بوده است . فرانسویان بر اساس پیشینه رومی حقوق خود انتقال حقوق و دیون ناشی از قرارداد را تنها در قالب تبدیل تعهد ممکن می دانستند زیرا بر اساس دیدگاه رومی تعهد رابطه ای شخصی بین متعهد و متعهد له است که با تغییر هر یک از متعهد و متعهد له امکان بقاء و انتقال به دیگری را ندارد. البته حقوق فرانسه در تحولات اخیر خود ، همانند اکثر نظامهای حقوقی دیگر ، جابجایی جنبه مثبت و منفی تعهد بدون توسل به راهکار تبدیل تعهد را پذیرفته است . آنچه اخیراً در نظامهای حقوقی مطرح گردیده مسأله انتقال خود قرارداد و نه انتقال حقوق و دیون ناشی

از آن است؛ اگرچه بدون شک با انتقال قرارداد حقوق و دیون ناشی از قرارداد نیز به تبع منتقل می گردد. مسأله انتقال قرارداد در نظامهای حقوقی مختلف سابقه چندانی ندارد و علت آن نیز این بوده که تصور می شده، با وجود نهاد انتقال دین و انتقال تعهد یا نهاد تبدیل تعهد دیگر به نهادی بنام انتقال قرارداد حاجت نیست. تأمل در تفاوت نهاد انتقال قرارداد و نهادهای سنتی انتقال دین و تعهد نشان می دهد که در انتقال قرارداد خصوصياتی وجود دارد که در سایر نهادهای مشابه وجود ندارد و همین ویژگی ها است که وجود نهاد انتقال قرارداد را ایجاب نموده است. در حقوق سنتی فرانسه قرارداد را امری مستقل از دیون و حقوق ناشی از آن نمی دانستند. در دکترین جدید فرانسوی انتقال دین و تعهد را نمی توان مساوی با انتقال خود عقد دانست. زیرا این امر باعث تجزیه عقد می گردد و اجزاء عقد بطور مستقل به انتقال گیرنده منتقل می شود بدون آنکه خود عقد منتقل شود. برای مثال در چنین صورتی برای انتقال گیرنده حق فسخ یا اقاله یا تمدید قرارداد وجود نخواهد داشت زیرا این حقوق مربوط به یکی از طرفین عقد است و کسی که فقط حقوق و دیون ناشی از عقد به او منتقل شده طرف عقد محسوب نمی گردد. در حالی که در انتقال قرارداد هدف این است که موقعیت قراردادی یکی از طرفین همراه با تمامی حقوق و تعهدات ناشی از آن به ثالث منتقل گردد. بنابراین در انتقال قرارداد حق فسخ، اقاله و تمدید عقد و حق حبس نیز به انتقال گیرنده منتقل می شود.

تطبيق و تحليل نظريه انتقال دین در خصوص ماهیت انتقال دیون در ادغام شرکت ها

چنان که در بالا هم اشاره کردیم به موجب قرارداد ادغام و قانون، کلیه دارایی، مطالبات، دیون و تعهدات شرکت دوم (یعنی شرکت ادغام شونده) به شرکت اول (یعنی شرکت پذیرنده ادغام) منتقل می شود و شرکت اول مسئول کلیه بدهی ها و تعهدات شرکت دوم است. همچنین کلیه دعاوی له و علیه شرکت دوم به شرکت اول منتقل میشود.

بنابراین انتقال دین در ادغام قانونی شرکت ها، به نحو قراردادی و قانونی است نه قهری و شرکت ادغام شونده، مدیونی است که دین خود را به ثالثی (شرکت پذیرنده ادغام) منتقل می کند بدون اینکه در این انتقال دین، رضایت طلبکاران خود را سابقاً جلب کرده باشد.

در مورد عدم صحت انتقال مستقیم دین ، بدون رضایت طلبکار ، حقوق دانان فرانسوی اتفاق نظر دارند . به این بیان که مدیون نمی تواند بدون دخالت طلبکار ، دین را به دیگری منتقل کند و ذمه ی خویش را بری سازد.

2. نظریه تبدیل تعهد :

مفهوم تبدیل تعهد : تبدیل تعهد عبارت است از اینکه تعهدی جانشین تعهد دیگر شود و تعهد سابق از بین برود (دکتر مهدی شهیدی) در واقع تبدیل تعهد، در نتیجه تغییر یکی از ارکان تعهد سابق حاصل می شود به طوری که تعهد اول ساقط و تعهدی جدید جایگزین آن شود. با توجه به موضوع بحث ، به مفهوم تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون پرداخته می شود : هرگاه شخص ثالثی با رضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را ادا نماید، دین اصلی ساقط و تعهد شخص ثالث جای آن را می گیرد (بند 2 ماده 292 قانون مدنی) . باید توجه داشت که رضایت مدیون در این نوع تبدیل، شرط نیست و هرکس می تواند پرداخت دین دیگری را حتی بدون موافقت و اجازه او به عهده بگیرد.

تطبیق و تحلیل نظریه تبدیل تعهد در موضوع ادغام

با توجه به مطالبی که در بالا بیان شد می توان چنین اظهار نظر کرد که تبدیل تعهد، زمانی واقع می شود که طرفین تعهد، درباره موضوع تبدیل تعهد تراضی نمایند ولی دانستیم که تبدیل تعهد، عمل حقوقی پیچیده ای است که باید تمام مراحل آن مقصود بوده باشد در نتیجه باید دو طرف قصد ایجاد تعهد جدید را داشته باشند و ایجاد تعهد جدید نیز باید به منظور زوال تعهد پیشین باشد. ولی در مورد انتقال دیون در ادغام شرکت های سهامی، این شرایط محقق نیست و در نتیجه نمی توان این عمل حقوقی را مصداقی از نهاد تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون در نظر گرفت چرا که در ادغام شرکت های سهامی، طرفین قصدی بر ایجاد تعهد جدید نداشته، بلکه مقصود اصلی آن ها انتقال دیون شرکت ادغام شونده با تمام ویژگی های آن به شرکت پذیرنده ادغام است. در نتیجه تعهد جدیدی نیز برای شرکت ایجاد نمی شود. از طرف دیگر شرکت های ادغام شونده و پذیرنده ادغام، تعهد و دیون قبلی را ساقط نمی کنند و قصد و انشائی در مورد زوال تعهد پیشین ندارند بلکه صرفاً طرفین بر انتقال دیون از شرکت ادغام شونده به شرکت پذیرنده ادغام توافق می کنند. علاوه بر این دلایل، در صورتی که در

مورد ماهیت انتقال دیون در شرکت های سهامی، تردید حاصل شود که مصداق نهاد تبدیل تعهد است یا خیر، با استفاده از اصل عدم تبدیل تعهد، می توان گفت که این عمل حقوقی، تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون نخواهد بود. ولی در هر حال، در صورتی که این عمل حقوقی را تبدیل تعهد هم در نظر بگیریم، طلبکار شرکت ادغام شونده برای این تبدیل تعهد باید رضایت داشته باشد در حالی که چنین شرطی موجب کندی روند ادغام می شود و با اصل سرعت که یکی از اصول اساسی در قواعد تجاری است، سازگاری ندارد. به همین دلیل در مقررات نیز چنین شرطی پیش بینی نشده است.

3. نظریه قائم مقامی

قائم مقامان قانونی عبارت اند از وارث، منتقل الیه و طلبکار. برخی استادان در تعریف قائم مقام چنین گفته اند: « کسی که حق یا تکلیف و تعهد به سبب عقد یا ایقاع یا واقعه حقوقی مانند ارث به او منتقل میشود قائم مقام نامیده می شود. » در حقوق فرانسه، قائم مقامی اینگونه تعریف شده: « جانشینی یک شیء به جای شیء دیگر و جانشینی یک شخص به جای شخص دیگر در یک رابطه حقوقی » گاه شخص ثالثی به واسطه پرداخت دین مدیون به طلبکار وی جانشین طلبکار شده و به قائم مقامی او حق مراجعه به مدیون را پیدا می کند. در حقوق فرانسه به این نوع جانشینی *Subrogation* گفته شده است.

قائم مقامی را به اعتبار منشأ آن میتوان به دو قسم قانونی و قراردادی تقسیم نمود: قائم مقامی قانونی: چنانچه جانشینی مستقیماً و به حکم قانون صورت گرفته باشد آن را قائم مقامی قانونی گویند. مانند قائم مقامی بیمه گر در حقوق بیمه گذار یا جانشینی ثالثی که وجه سند تجاری را می پردازد یا غاصبی که به مالک خسارت می پردازد.

قائم مقام قراردادی: اگر قائم مقامی ناشی از قرارداد باشد قائم مقامی قراردادی خواهد بود به طوری که طرفین در قراردادی تعهد می کنند که شخصی به عنوان جانشین یکی از طرفین قرارداد باشد. کتاب لغت در تعریف آن چنین آورده است: «جانشینی پرداخت کننده دین دیگری در جای مدیون، در صورتی که پرداخت با توافق میان دائن و مدیون صورت گرفته باشد، قائم مقامی قراردادی است.»

تحلیل و تطبیق نظریه قائم مقامی

در تحلیل این مطلب باید ابتدا این موضوع را تعیین نمود که ماهیت انتقال دیون در اثر ادغام شرکت های سهامی با کدام مفهوم قائم مقامی قابلیت تطبیق دارد. در بحث ماهیت انتقال دیون از شرکت ادغام شونده به شرکت پذیرنده ادغام، در فرض وجود قائم مقامی در بحث انتقال دیون، قائم مقامی از نوع قائم مقامی ناشی از انتقال مال است نه به واسطه پرداخت، زیرا در ادغام شرکت ها، پرداختی از سوی طرفین یا شخص ثالث صورت نمی گیرد بلکه تنها دیون از شرکت ادغام شونده به شرکت پذیرنده ادغام منتقل می شود که با توجه به اینکه اکثر حقوق دانان دیون را نیز جزء دارایی در نظر می گیرند، می توان گفت که در اینجا بر فرض وجود قائم مقامی، قائم مقامی از نوع انتقال مال بوده نه قائم مقامی در اثر پرداخت.

از طرف دیگر نیز باید به این نکته توجه نمود که در نتیجه ادغام، ماهیتاً شخصیت حقوقی شرکت های ادغام شونده منحل می شود. در نتیجه راه حلی به جز قائم مقام بودن شرکت پذیرنده ادغام در برابر طلبکاران وجود ندارد زیرا عملاً تنها راه وصول مطالبات طلبکاران از شرکت ادغام شونده، رجوع به شرکت پذیرنده ادغام است و این همان مفهوم قائم مقامی است که در اکثر عقود معاوضی وجود دارد و قانون آن را تشریح کرده است.

دانستیم که قائم مقامی در اثر انتقال مال نیز از نظر منشأ و سبب به دو گروه قراردادی و قانونی تقسیم می شود. حال به بررسی تطبیق هر یک از این دو نوع قائم مقامی با بحث انتقال دیون در ادغام شرکت های سهامی پرداخته می شود.

ادغام قراردادی

برای بررسی اینکه آیا قراردادی که با عنوان ادغام منعقد می شود دارای اثر قائم مقامی است یا خیر باید قوانینی را که در مورد سازو کار ادغام وجود دارد بررسی کرد. لذا با توجه به این موضوع که قانونگذار در رابطه با قراردادی بودن یا نبودن ادغام اشاره ای نکرده است، باید ماهیت این نهاد حقوقی بررسی شود که بحث در مورد این موضوع در این نوشته نمی گنجد ولی به هر حال برای اینکه چنین قراردادی، اثر قائم مقامی را به دنبال داشته باشد نیاز به تصریح قانون در این زمینه وجود دارد چرا که با توجه به اصول و مبانی حقوقی، هر تبدیل تعهد یا انتقال دینی نیاز به رضایت طلبکار دارد و اگر

قانونگذار چنین رضایتی را لازم نمی داند تا به حکم آن اثر قائم مقامی را برای چنین قراردادی بار کند، باید آن را تصریح نماید (به نظر می رسد که این تصریح تنها در مورد قائم مقامی ناشی از انتقال حقوق دینی لازم است نه حقوق عینی). در نتیجه در صورتی که ادغام، نوعی قرارداد در نظر گرفته شود، که به محض انعقاد آن، طرف قرارداد، قائم مقام دیگری در کلیه دیون و تعهدات باشد؛ صرف نظر از تعیین و تشخیص ماهیت این قرارداد، نمی توان چنین اثری را از این قرارداد در قوانین پذیرفت چرا که علاوه بر مطالب فوق، قائم مقام دانستن شرکت پذیرنده ادغام، مساوی با در نظر گرفتن حقوق طلبکاران شرکت ادغام شونده خواهد شد چرا که قلمرو اثرگذاری قراردادها نباید به گونه ای باشد که باعث تضییع حقوق اشخاص ثالث شود (اصل نسبی بودن قراردادها) و اگر قانونگذار بنا به مصالحی می خواهد این حق اشخاص ثالث را نادیده بگیرد، باید به وسیله تدوین کردن قانونی جامع، مصالح و منافع اشخاص ثالث را به گونه ای لحاظ کند.

ادغام قانونی

اگر منشأ ادغام را قانون در نظر بگیریم، عنوان قائم مقامی عام در آن کاملاً صدق خواهد کرد چرا که در ادغام شرکت های سهامی، به واسطه حکم قانونگذار (ماده 40 قانون برنامه چهارم و ماده 105 قانون برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران) تمام حقوق و تعهدات و دیون شرکت ادغام شونده به شرکت پذیرنده ادغام منتقل می شود، و این همانند قائم مقامی عام وارث نسبت به تمام تعهدات و دیون مورث خود است. در نتیجه چون قانونگذار به آن تصریح کرده است، نیازی به رضایت طلبکاران شرکت ادغام شونده برای انتقال دیون یا حتی ادغام نیست.

مشابه این مقررات در حقوق آمریکا، فرانسه، انگلیس و حقوق داخلی نیز به چشم می خورد که ذیلاً به آن ها اشاره خواهد شد:

الف . حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا، بعضی نویسندگان بر این اعتقادند که شرکت سهامی پذیرنده ادغام، جانشین یا قائم مقام شرکت سهامی ادغام شونده می شود زیرا با محو شرکت سهامی پذیرنده ادغام، شرکت سهامی ادغام کننده به حکم قانون، جانشین حقوق و تعهدات شرکت ادغام شونده می شود. در واقع، با انجام

ادغام، مجموعه ای از اموال و حقوق و تعهدات شرکت سهامی ادغام شونده به صورت قانونی (قهری) به شرکت سهامی پذیرنده

می گویند. در حقوق آمریکا، « جانشینی عام » ادغام منتقل می شود و چنین حالتی را قائم مقامی شرکت سهامی پذیرنده ادغام، مانند قائم مقامی عام وراث است بدین معنا که قائم مقامی آن ناظر به مال یا حق یا تعهد معین نیست، بلکه شامل کلیه اموال، حقوق و تعهدات م می شود. پس از ادغام، شرکت سهامی پذیرنده ادغام به عنوان قائم مقام شرکت سهامی ادغام شونده می تواند حقوق شرکت سهامی ادغام شونده را استیفا کند. چنانچه شرکت سهامی ادغام شونده با اشخاص ثالث، قراردادی منعقد کرده باشد، شرکت سهامی پذیرنده ادغام به عنوان قائم مقام می تواند اجرای تعهدات قراردادی را از اشخاص ثالث بخواهد و همچنین اشخاص ثالث نیز می توانند اجرای تعهدات قراردادی شرکت سهامی ادغام شونده را از شرکت سهامی پذیرنده ادغام بخواهند. کلیه دعاوی له و علیه شرکت سهامی ادغام شونده به شرکت سهامی پذیرنده ادغام منتقل می شود و شرکت سهامی ادغام کننده می تواند به عنوان قائم مقام شرکت سهامی ادغام شونده آن ها را پیگیری و همچنین اشخاص ثالث می توانند دعاوی خود علیه شرکت سهامی ادغام شونده را به طرفیت شرکت سهامی پذیرنده ادغام اقامه کنند.

ب . حقوق فرانسه :

در حقوق فرانسه نیز بعضی از حقوقدانان معتقدند ادغام واقعی موجب انتقال کلیه حقوق و تعهدات از شرکت تجاری ادغام شده به شرکت تجاری ادغام کننده می شود و شرایط و خصوصیات چنین انتقالی را مشابه با مقررات مربوط به ارث در نظر گرفته اند.

می توان گفت که از نظر این حقوقدانان همان طور که به حکم قانون بعد از مرگ مورث، وراث قائم مقام عام مورث می شوند، ادغام واقعی نیز به حکم قانون موجب محوشخصیت حقوقی شرکت یا شرکت های سهامی ادغام شده و جانشینی عام شرکت سهامی ادغام کننده می شود .

پ . حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس نیز شرکت سهامی ادغام کننده قائم مقام و جانشین شرکت سهامی ادغام شونده می شود، با این تفاوت که انتقال حقوق و تعهدات شرکت سهامی ادغام شونده به شرکت سهامی ادغام کننده منوط به دستور دادگاه است (قانون شرکت ها 2006)

ت. حقوق ایران :

در قوانین جدید قانونگذار به طور کلی و مطلق این مطلب را بیان می کند که کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می شود (ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنجم) در نتیجه می توان این چنین استنباط نمود که با توجه به اینکه علاوه بر انتقال تعهدات، حقوق نیز به واسطه این نص قانونی انتقال می یابد. در نتیجه نهاد انتقال دین و تبدیل تعهد، جایگاهی در ماهیت این انتقال نخواهد داشت چرا که موضوع این دو نهاد تنها دیون و تعهدات است، درحالی که طبق نص مذکور علاوه بر دیون و تعهدات، حقوق نیز منتقل می شود. بنابر این می توان گفت که این انتقال دیون به نهاد قائم مقامی عام نزدیکتر است.

با فرض عدم وجود ماده 105 قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سایر مصوب شرکت های تجاری، در مورد شرکت های سهامی قائم مقامی عام شرکت ادغام کننده اصولاً امکان پذیر نبود زیرا اولاً مقررات مربوط به ادغام شرکت های سهامی دولتی یا شرکت های تعاونی قابل تسری به شرکت های سهامی خصوصی نیست. ثانیاً نهاد قائم مقامی عام، جز در موارد استثنائی مانند قائم مقامی عام ورثه پذیرفته نشده است و با انجام قرارداد نمی توان کلیه حقوق و تعهدات شخص دیگر را تملک نمود زیرا هرچند تملک دارایی های شرکت سهامی ادغام شونده با انجام قرارداد امکان پذیر است، لکن تملک دیون و تعهدات و قراردادهای آن با دشواری های خاصی روبه رو است. انتقال دیون و تعهدات شرکت سهامی ادغام شونده به شرکت سهامی ادغام کننده منوط به رضایت کلیه طلبکاران و اشخاص متعهدله است. ولی با توجه به تصویب این ماده، دیگر جای بیان شبهه ای در مورد تطبیق نهاد قائم مقامی عام در انتقال دیون در ادغام شرکت ها وجود ندارد چرا که در این ماده، علی رغم عدم ذکر مفهوم قائم مقامی عام؛ علاوه بر تأکید بر انتقال

دیون و تعهدات، واژه "حقوق" نیز بیان شده است که با توجه به مفهوم قائم مقامی عام که در بالا بیان شد تطبیق این مفهوم را با ماده مذکور می توان دریافت.

در نتیجه با فرض اینکه ماهیت انتقال دیون، قائم مقامی قانونی، آن هم از نوع عام آن باشد دیگر نیاز به رضایت طلبکاران در مورد ادغام شرکت ادغام شونده نخواهد بود و این مزیت را به همراه خواهد داشته که در صورتی که طبق نص قانون، این ادغام موجب تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، باعث حمایت از اصل سرعت و امنیت در روابط تجاری خواهد بود و ما نیز در روابط تجاری برای رسیدن به این اصل تلاش می کنیم.

با وجود اینکه قائم مقامی شرکت پذیرنده ادغام به جای شرکت ادغام شونده به حکم قانون و همسو با اصل سرعت صورت می گیرد اشکالات فنی حقوقی به شرح زیر وجود دارد: آیا با ادغام شرکت های سهامی و به طریق اولی شرکت های سرمایه، حقوق طلبکاران شرکت تضییع نمی شود؟ ممکن است شرکت پذیرنده ادغام، طلبکاران زیادی داشته باشد و به این ترتیب وثیقه های عمومی پرداخت طلب طلبکاران شرکت ادغام شونده کاهش یابد.

برای حل این معضل، نخست در ماده 807 لایحه جدی اصلاح قانون تجارت، در ادغام

یک جانبه، ممنوعیت هایی به شرح ذیل پیش بینی شده است:

ادغام شرکت سهامی عام در خاص

ادغام شرکت سهامی عام در مسئولیت محدود

ادغام شرکت سهامی عام غیر بورسی در بورسی

ادغام شرکت سهامی عام بورسی در غیر بورسی

ادغام شرکت تضامنی در سایر شرکت ها

ادغام شرکت تضامنی در تضامنی با موافقت اکثر شرکا

دغدغه اصلی در این ماده، حفظ حقوق بستانکاران شرکت قبلی و شرکت یا شرکت های جدید بوده

است. اما برای معضل دوم در ماده 815 لایحه، به بستانکاران حق داده شده

تا ظرف دو ماه از تاریخ انتشار آگهی ادغام، به آن اعتراض کنند و از دادگاه تقاضا کنند تا نسبت به صدور دستور موقت مبنی بر تأخیر در ثبت ادغام تا ارائه وثیقه کافی از سوی شرکت یا جلب رضایت بستانکار اقدام کند.

به هر حال به نظر می رسد که به طور کلی، اعطای حق اعتراض به طلبکاران یا افراد ذی نفع در امر ادغام، در کنار مقررات مبتنی بر قائم مقامی عام شرکت پذیرنده ادغام، باعث می شود بین حقوق متعارض و اصول حاکم بر مقررات تجاری جمع شود.

بند دوم: آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بستانکار از شرکت های پذیرنده ادغام

با توجه به این مطلب که ادغام شرکت ها، غالباً سبب تقویت مدیریت شرکت، افزایش

کمی و کیفی محصولات، کاهش هزینه های تولید، افزایش کارایی و بهره وری، افزایش

ارزش سهام، بقای شرکت و جلوگیری از ورشکستگی آن، کسب دانش فنی شرکت رقیب، کاهش دست واسطه ها و دلالتان، استفاده از امکانات و فناوری سایر شرکت ها، بازاریابی و صرفه جویی در زمان، وجود مزایای مالیاتی، حذف مشاغل اضافی و موازی و ... می شود و از طرف دیگر، ارزش هر طلب، وابسته به دارایی و اعتبار مالی مدیون است می توان چنین نتیجه گرفت که ادغام شرکت ها، در اکثر قریب به اتفاق موارد، باعث افزایش سرمایه و اعتبار مالی شرکت پذیرنده ادغام است لذا با ادغام شرکت ها، نه تنها هیچ خللی به حقوق طلبکاران شرکت پذیرنده ادغام وارد نمی شود بلکه یک پشتوانه محکمی برای طلب آنها خواهد بود.

با وجود مطالب فوق به نظر می رسد که در عمل، همواره وضع چنین نیست و باید همانند مورد سابق برای طلبکاران شرکت پذیرنده ادغام نیز حق اعتراضی قائل شد.

دوم: آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بدهکار

در این فرض این موضوع بررسی می شود که ادغام شرکت ها، چه اثری بر تعهدات بدهکاران شرکتهای ادغام شونده و پذیرنده ادغام دارد؟ ذیلاً با بیان نظریه انتقال طلب، اثر ادغام را بر بدهکاران هریک از شرکتهای ادغام شونده و پذیرنده ادغام، به طور جداگانه، مورد مذاقه قرار می دهیم.

بند اول : آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بدهکار به شرکت های ادغام شونده

چنان که می دانیم با ادغام شرکت ها، علاوه بر تعهدات، حقوق شرکت ادغام شونده نیز به شرکت پذیرنده ادغام انتقال می یابد که از جمله این حقوق، طلب های شرکت ادغام شونده از اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط است. بنابراین مهم ترین سؤالی که ذیل این عنوان مطرح می شود آن است که آیا رضایت بدهکاران برای انتقال طلب از شرکت ادغام شونده به شرکت پذیرنده ادغام، ضروری است؟ پس از توضیح مختصری پیرامون مفهوم انتقال طلب، به تحلیل و تطبیق این نظریه در خصوص سؤال مطروحه می پردازیم و نظر مختار را ارائه می دهیم.

همان طور که گفته شد به جابه جایی طلب از دارایی طلبکار به دارایی دیگری، انتقال طلب گفته می شود. در این جابه جایی، انتقال گیرنده، از هر حیث جانشین انتقال دهنده می شود و از همان مزایا برخوردار است. پس مالک جدید طلب، مانند دست پیشین خود، می تواند آن را با همان شرایط از مدیون مطالبه کند؛ در اجرای حق از تضمین های طلب سود برد و در برابر دیگران به آن استناد نماید. در برابر، او نمی تواند بیش از آنچه انتقال گرفته است ادعا کند یا دفاعی را که مدیون می توانست در برابر انتقال دهنده بکند متوجه خود نداند.

نکته دقیقی که باید به آن توجه کرد تفاوت انتقال طلب با تبدیل تعهد است که از جمله می توان به این تفاوت اشاره کرد که در انتقال طلب، طلب با همه مزایا و محدودیت های آن، از انتقال دهنده (طلبکار سابق) به انتقال گیرنده (طلبکار جدید) منتقل می شود ولی در تبدیل تعهد به معنای خاص کلمه، تغییر و دگرگونی در خود تعهد رخ می دهد نه در طلبکاران آن طلب. به همین جهت است که ماده 293 قانون مدنی در تبدیل تعهد، اصل را بر عدم انتقال تضمینات تعهد سابق به تعهد لاحق معرفی می کند در حالی که در انتقال طلب، اصل بر انتقال توابع طلب و عدم تغییر در آن است. (به برخی تفاوت های دیگر، متعاقباً اشاره خواهد شد).

انتقال طلب نیز مانند انتقال دین، ممکن است به صورت قهری در اثر مرگ طلبکار و انتقال طلب به وارثان یا به صورت قراردادی میان طلبکار و شخص ثالثی اتفاق افتد. در صورت اخیر، عقد حواله مصداق بارز آن به حساب می رود ولی باید توجه داشت که انتقال طلب، محدود به هیچ عقد معین یا غیرمعینی نیست. با عنایت به مطالب بالا می توان بند 3 ماده 292 را مصداقی از انتقال طلب دانست.

با توجه به آنکه قرارداد انتقال طلب، میان طلبکار و انتقال گیرنده واقع می شود و

مدیون در انعقاد آن نقشی ندارد و نیز مستندا به بند 3 ماده 292 قانون مدنی می توان گفت که رضایت بدهکار در انتقال طلب از طلبکار (شرکت ادغام شونده) به ثالث (شرکت پذیرنده ادغام) معتبر و لازم نیست و شرکت اخیر، از هر جهت قائم مقام شرکت ادغام شونده (طلبکار سابق) می شود.

اکنون می توان به تفاوت دیگری میان انتقال طلب و تبدیل تعهد اشاره کرد و آن این است که در انتقال طلب، مدیون نقشی ندارد و چهره انفعالی به خود میگیرد یعنی رضایت او شرط نیست در حالی که در تبدیل تعهد، رضایت و قصد انشایی او لازم است زیرا اوست که باید التزام جدید را بر عهده بگیرد و یکی از ارکان عمل حقوقی انتقال باشد. اوست که باید رابطه تازه را با طلبکار جدید برقرار کند و در واقع یکی از دو پایگاه این پیوند است.

بند دوم : آثار ادغام بر اشخاص حقیق و حقوقی بدهکار به شرکت های پذیرنده ادغام

صحبت پیرامون اثر ادغام، بر بدهکاران شرکت پذیرنده ادغام (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) بسیار ساده تر از مورد قبل است چرا که در این مورد، نه طلبکار تغییر کرده است نه بدهکار و نه حتی دین بین آن ها. لذا چون هیچ تغییری در روابط دو طرف دین یا خود دین ایجاد نشده است باید گفت که ادغام شرکت ها، هیچ تأثیری بر روابط حقوقی بدهکاران با شرکت پذیرنده ادغام ندارد.

نتیجه گیری

شرکت های تجاری از انجام ادغام، اهداف و انگیزه های مختلفی را پیگیری می کنند. اما مهم ترین و اساسی ترین اهداف ادغام شرکت ها را می توان اهداف و انگیزه های اقتصادی دانست که این اهداف می تواند شامل افزایش ثروت صاحبان سهام، افزایش سهم بازار، حذف مدیریت ناکارآمد، حذف رقبای تجاری و ... باشد. ادغام شرکت ها می تواند در حقوق ایران، به عنوان روشی برای گریز از مشکلات مالی، افزایش درآمد و به عنوان یکی از مهم ترین راه های سرمایه گذاری به حساب آید.

در حقوق انگلستان ، ادغام شرکت های تجاری به دو صورت ادغام به معنای خاص و ادغام به معنای تملک سهام انجام می گیرد که بیشتر ادغام ها نیز از طریق تملک سهام صورت می پذیرد. ادغام به معنای خاص در حقوق انگلستان ، تشریفات زیادی از جمله ، دوبار مراجعه به دادگاه برای انعقاد ، دارد و شرکت های تجاری نمی توانند بدون تصدیق دادگاه به ادغام با سایر شرکت های تجاری مبادرت ورزند.

ادغام شرکت های تجاری در لایحه جدید قانون تجارت نیز ، به تأسی از حقوق فرانسه و انگلستان ، از نوع ادغام به معنای خاص می باشد و در مورد ادغام برای تملک سهام ، مقرراتی پیش بینی نشده است. همچنین در لایحه مزبور تشریفات و شرایط ادغام ، در مقایسه با قوانین ایران ، کمتر است.

در قوانین انگلستان ، فرانسه و ایران ، در نتیجه ادغام ، سهامداران شرکت ادغام شونده ، بیشتر از سهامداران شرکت ادغام کننده (خریدار) متأثر می شوند. در پایان باید گفت که در صورتی که ادغام یا تجزیه بدون رعایت تشریفات مقرر انجام شود هرذینفع می تواند ابطال ادغام یا تجزیه را از دادگاه تقاضا کند، که بنظر می رسد قانونگذار در این مورد از سیستم فرانسوی برای جلوگیری از این طرح استفاده نموده است.

منابع :

کتاب ها _

1. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکتهای تجاری، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم 1391
2. فرحناکیان ، فرشید ، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی ، تهران، انتشارات میزان، چاپ هشتم، بهار 1395
3. صقری، محمد، حقوق بازرگانی شرکتهای/تاسیس،تبدیل،ادغام،انحلال/ ، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپخانه حیدری، چاپ اول 1390
4. عرفانی، محمود، حقوق تجارت، شرکتهای تجاری، جلد دوم ، تهران، انتشارات جنگل، چاپ زیتون چاپ بهاران، چاپ دوم 1389
5. عیسائی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، انتشارات تربیت مدرس، تهران، چاپ اول 1386

6. جعفری صامت، امیر، جنبه های حقوقی ادغام شرکتهای تجاری در حقوق ایران، تهران، چتر دانش ، ۱۳۹۳
7. کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت چاپ دوازدهم، تهران انتشارات گنج دانش، سال 1385
8. کلایو ام. اشمیتوف، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران، حقوق تجارت بین الملل، تهران انتشارات سمت، چاپ دوم سال 1390
9. شهری ، غلامرضا ، حقوق ثبت اسناد و املاک ، تهران انتشارات جهاد دانشگاهی، زمستان 1385
10. صفی نیا، سید نورالدین، در آمدی بر قانون شرکت های تجاری در ایران، تهران انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ دوم، سال 1381
11. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی مصوب 1389
12. کاتوزیان ، امیرناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات میزان چاپ چهل و نهم، 1395
13. - میر حسینی ، سید حسن، شرح آرای شورای عالی ثبت، تهران انتشارات میزان، چاپ اول، سال 1389
14. کاتوزیان ، امیر ناصر ، قواعد عمومی قراردادها ، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، جلد سوم، 1387
15. وکیلی مقدم، محمد حسین، توافقات ضد تجاری، تهران، انتشارات همگان ، 1389
16. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، مصوب 1380
17. اسکینی ، ربیعا ، حقوق تجارت / شرکت های تجاری ، تهران ، سمت ، 1395
18. حقیقت ، صبا ، ادغام شرکت های سهامی ، با نگاهی به حقوق آمریکا ، فرانسه و ایران ، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق تجارت بین الملل ، دانشگاه شهید بهشتی ، 1387

مقالات

1. جهانخانی، علی و علی ثقفی واصغر عارفی، مبانی تئوریک و کاربردی تصاحب و ادغام شرکتهای، تحقیقات مالی، بهار و تابستان 1385 شماره 21

2. صادقی، محمدحسین و بهنام غفاری فارسانی، روح حقوق رقابت (مطالعه تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)، مجله حقوقی دادگستری (علمی پژوهشی)، بهار 1390
3. عارفی، اصغر، بررسی عملکرد مالی تصاحب شرکتها در ایران، فصلنامه پژوهشی بازرگانی، بهار 1388
4. عرفانی، محمود، مشارکت تجارتي بين المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دی 1372، شماره 3
5. رشوند بوکانی، مهدی؛ رجالی، محسن؛ بدیع صنایع اصفهانی، امین، ماهیت حقوقی انتقال دیون در ادغام شرکت های سهامی و آثار آن بر طلبکاران و بدهکاران غیر سهام دار، مجله حقوقی دادگستری زمستان 1392، سال هفتاد و هفتم، شماره 8
6. بیگی حبیب آبادی، احمد؛ بیگی حبیب آبادی، محمد، تاثیر ادغام شرکت ها بر شروط عدم انتقال / مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا، مجله پژوهشهای حقوق تطبیقی، زمستان 1392، دوره 17 شماره 4-
7. البرزی، صدرالله، ایجاد شرایط مناسب برای ادغام شرکتها، مجله دوره جدید، دی - 1382 شماره 148
8. عیسائی تفرشی، محمد، تعریف ادغام قانونی شرکت های سهامی و انواع آن از لحاظ حقوقی / مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس، سال 1391
9. جهانخانی، علی، عارفی، اصغر، بررسی عملکرد تصاحب شرکتها در ایران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال اول، شماره 1، بهار 1387
10. بیگی حبیب آبادی، احمد، حقوق سهامداران اقلیت در ادغام شرکت های تجاری، مجله پژوهش های حقوقی، شماره 5، سال 1383

1. Tianqi Li , A study on the impact of mergers & acquisitions on shareholders' wealth and efficiency , School of Economics, Shanghai University, Shanghai, China , 2015
2. Investopedia , The basics of mergers and acquisitions , 2010
3. Republique francise , merger control guidelines , 1990
4. David J. Berger , Guidelines for Mergers and Acquisitions in France , Northwestern Journal of International Law & Business , winter 1991
5. Patrick A. gaughan , mergers , acquisitions and corporate restructurings , forth edition , 2007
6. Klause Gugler, Dennis C. Mueller, B. Burcin Yurtoglu, Christine Zulehner , the effects of mergers : an international comparison , international journal of industrial organization, 2003
7. Cosh,A . Hughes,A . Singh A. , 1980. The causes and effects of takeovers in the United Kingdom ,
8. John , K. , (Eds) , mergers and merger policy . Oxford University Press , 1989 , pp 30-98
9. Muhammad Faizan Malik , Mergers and Acquisitions : A Conceptual Review . 2014 , Vol. 4, No. 2
10. Chatterjee, S (1986) . Types of Synergy and Economic Value : The Impact of Acquisition on Merging and Rival Firms . strategic Management Journal , 7(2), 119
11. Woznik, M. (2013) . The Impact of Merger and Acquisition Activities on Corporate Performance Measured on an Accounting and Market Base
12. Francis, B.B. , Hasan , I. , Sun, X. and Waisman, M . Can Firms Learn by Observing ? Evidence from Crossborder M&As. Jurnal of corporate finance. 2014, Vol. 25 , iss.
13. Egle Duksaite . Rima Tamosiu nirne . Why Companies Decide to Participate in Mergers and Acquisition Transactions . 2009 , Vol. 1 , No 3
14. Carreras, Barsikian , Robertson & Associe`s , France negotiated M&A Guide corporate and m&a law committee
15. The French Commercial Code

